

مقایسه تکالیف و حقوق همسران در تلمود و من لایحضره الفقیه^۱

عاطفه عبدی‌خان

دانش آموخته دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران

محمدجواد شمس^۲

دانشیار دانشگاه امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

طاهره حاج‌ابراهیمی

دانشیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مجید معارف

استاد گروه علوم و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

در یهود و اسلام، به دلیل منبع مشترک و تأکیدشان بر لزوم رعایت شریعت، مشابهت‌های فراوانی وجود دارد. همچنین این دو دین به مناسبت تأکید بسیارشان بر شریعت، به عنوان ادیان تکلیف‌مدار شهرت یافته‌اند؛ تکالیفی که در روابط میان افراد و همچنین رابطه انسان با خدا شکل می‌گیرد و مؤمنان مکلف به اجرای آن هستند. یکی از این روابط، رابطه متقابل همسران است که قوانین جاری میان آن دو، برای شکل‌گیری خانواده‌ای سالم و در نتیجه آن جامعه‌ای پاک، اهمیت می‌یابد. یهود و اسلام مسئولیت‌های جاری در امور خانه و خانواده را به گونه‌ای میان این دو عضو اصلی تقسیم کرده‌اند که نهایتاً به برقراری نظم و اعتدال در آن منجر می‌شود. در این تقسیم‌بندی نیز مشابهت‌های بسیار نمایان است. این پژوهش به موضوع تکالیف و حقوق همسران در یهودیت و اسلام، با محوریت تلمود و من لایحضره الفقیه، به عنوان دو منبع فقهی مهم در این دو دین، می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها

تلمود، من لایحضره الفقیه، شوهر، همسر، تکالیف، حقوق.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۵

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): shamsmohammadjavad@yahoo.com

مقدمه

حق و تکلیف دو مفهوم کلیدی در روابط انسان‌ها با یکدیگر و رابطه آنها با خداوند است. انسان به عنوان موجودی اجتماعی، نیازمند تعامل با انسان‌های اطراف و محیط پیرامون خویش است. طبیعی است که در هر رابطه‌ای مفاهیمی شکل می‌گیرد تا چگونگی این رابطه را تنظیم کند. حال اگر انسان را فردی ایمانی در نظر بگیریم، ایمان او به هر چه که باشد، شیوه تعامل او را نظام می‌بخشد. این نظام هر چند نانوشته، قانونی به شمار می‌رود که از حقوق و تکالیف ناگفته سرچشمه گرفته است.

حق و تکلیف، دو مفهومی هستند که به نظر متضاد و متقابل می‌آیند. انسان، تکلیف را امری دشوار می‌بیند و لذا معمولاً تکلیف‌گریز است و خود را بیش از آنکه مُکَلَّف بداند، مُحِقّ می‌شمارد. حرص و شهوت نهفته در نهاد انسان موجد آن است که او به دنبال سود بیشتر از محیط پیرامون خود باشد و این امر سبب نزاع آنها خواهد شد. لذا وجود فردی عادل فارغ از این خودخواهی‌ها و آشنا به ویژگی‌های انسان، ضروری می‌نماید تا قوانینی وضع کند و مانع اختلافات اجتماعی شود. ابن‌میمون در کتاب *دلالة الحائرين* می‌نویسد: همانگونه که خدا خلقت ظاهری موجودات را به تناسب کاری که انجام می‌دهند و نوع زندگی کردنشان خلق کرده، قوانینی را نیز در زندگی انسان‌ها جاری ساخته که متناسب با آن تکالیفی است که در خلقت به عهده دارند و این از روی حکمت الهی است. این تکالیف با توجه به توانایی‌های فرد در نظر گرفته شده و او را در راستای هدف خلقت پیش می‌برد و مانع از آن می‌شود که از این مسیر منحرف شود.^۱

اما انسان امروزی نه به دنبال اجرای تکلیف، که در پی احقاق حقوق بیشتری است و در بیشتر موارد، این امر موجب فاصله او از دین می‌شود، زیرا در نگاه او، دین، نظامی تکلیفی است که بیش از آنکه برای حقوق مؤمنانش ارزش قابل شود، آنان را به تکلیف وامی‌دارد. شاید دلیل این تصور، ادبیات حاکم بر دین باشد که ادبیاتی تکلیف‌مدارانه و شامل بایدها و نبایدها و مجازات‌هاست. همچنین، رابطه مردم با صاحب شریعت، رابطه

۱. See: Maimonides, Moses, *The Guide for the Perplexed*, M. Friedlander (trans.), London, George Routledge & Sons LTD, 1910, pp.322- 324.

عبد و مولا و خادم و مخدوم است و هم اینکه مجازات‌های مطرح در دین، بر مدار تکلیف و انجام آن می‌گردد، نه بر مدار حق.^۱

در میان سه ادیان ابراهیمی، مسیحیت با گرایش حاکم آن یعنی نگاه پولسی معتقد است با آمدن حضرت مسیح تکلیف از انسان‌ها برداشته شده است. اما دو دین یهود و اسلام، بر نظام تکلیفی تأکید بسیار دارند و در کتاب‌های مختلفی به شمارش این تکالیف پرداخته‌اند. در احکام این دو دین، تکالیف مختلف برای انسان دین‌دار برشمرده شده، اما به ندرت سخن از حق او به میان آمده است. از جمله، در رساله حقوق امام سجاد(ع)، با آنکه این کتاب نام حقوق بر خود دارد، اما در واقع، منظور از حقوق، تکالیفی است که هر کس نسبت به دیگری دارد. پس زبان دین، تکلیفی است و انسان دین‌دار، تکلیف‌گرا. اما آیا حقیقت دین چنین است و شریعت، تنها توجهش به تکلیف آدمی است و حق در این میان نادیده گرفته شده است؟

هدف از این تحقیق، بحث درباره حقوق و تکالیف متقابلی است که در دو منبع معتبر یهود و اسلام شیعی، یعنی تلمود بابلی و من لایحضره الفقیه به عهده همسران گذاشته شده است؛ حقوق و تکالیفی که گاه با همپوشانی هم، گواهی بر اهمیت داشتن حق در کنار تکلیف در این دو دین ابراهیمی است. در این نوشتار، نخست به اختصار به مفاهیم و منابع و سپس به مبحث اصلی خواهیم پرداخت.

گفتار نخست: توضیح مفاهیم

مُحِقٌّ یا مُكَلَّفٌ

مُحِقٌّ بودن یا مُكَلَّفٌ بودن محض، خلاف واقع است. انسان موجودی است دو بعدی که هم حق دارد و هم تکلیف. اما از آنجا که چون ذی‌حقّ از حقّ خود بگذرد، تکلیف برداشته می‌شود، دانسته می‌شود که این تکلیف است که حول محور حقّ می‌چرخد. پس برای رساندن حقّ به ذی‌حقّ، تکالیف شکل می‌گیرند و ضمانت اجرایی شدن آن نیز قوانینی است که در دین با عنوان ثواب و عقاب از جانب شارع تعیین شده است.

۱. رک. جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۴ش، صص ۱۱۴-۱۱۵.

نگاه سطحی به دو دین اسلام و یهود، باعث شده که بیشتر آنها را تکلیف‌مدار بدانند، حال آنکه لزوم رعایت حقوق دیگران در این دو دین بسیار مورد توجه قرار گرفته است و با نگاه دقیق و هدفمند به این تکالیف دانسته می‌شود که دین، جز حق محض نیست و تکالیف هم به حقوق برمی‌گردد. به همین مناسبت است که قرآن کریم توجه به حقوق دیگران را از نشانه‌های مؤمنان می‌شمرد^۱ و ضمن برحذر داشتن از ضایع کردن حقوق دیگران، متخلفان را نکوهش و توبیخ می‌کند.^۲ از ده فرمان نیز که شامل مهم‌ترین و اصلی‌ترین تعالیم یهود است، شش مورد به تکالیفی اشاره می‌کند که موجب ادای حقوق دیگران است.^۳

تلمود و من لا یحضره الفقیه

در دو دین یهود و اسلام مذاهب مختلفی شکل گرفت که مهم‌ترین فرق نخستین یهودی، دو فرقه صدوقی و فریسی و مهم‌ترین فرق نخستین اسلامی دو فرقه اهل تسنن و تشیع بود. در یهودیت فریسی و اسلام شیعی در کنار کتاب اصلی دین، یعنی تورات و قرآن، از منبع دیگری نیز برای فهم و تبیین موضوعات مختلف دینی سخن رفت.

به اعتقاد یهودیت فریسی، در کنار آنچه خداوند به صورت مکتوب بر پیامبرش نازل کرد، وحی دیگری هم بوده که به صورت شفاهی به حضرت موسی منتقل شد و ایشان این مطالب را به طور شفاهی به مشایخ منتقل کردند و مشایخ هم سینه به سینه آن را انتقال دادند تا بعدها با عنوان تلمود، به صورت مکتوب درآمد. این وحی را با نام شریعت شفاهی به ثبت رساندند و آن را همتراز با شریعت مکتوب یا تورات قلمداد کردند، چنانچه انکار آن برای یک یهودی خطر متهم شدن به ارتداد داشت.^۴ این دو شریعت در کنار هم منبع

۱. برای نمونه رک. ذاریات، ۱۹.

۲. برای نمونه رک. نساء، ۲۹؛ هود، ۸۷؛ مطففین، ۱-۳.

۳. رک. خروج، ۲۰؛ تثنیه، ۵.

۴. اترمن، الن، باورها و آیین‌های یهودی، ترجمه رضا فرزین، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵ش، ص ۱۸۶.

دینی یهودیت فریسی به شمار آمد که در طول زمان با توجه به آنها مسائل روز را مطرح کرده و به اجتهاد می‌پرداختند.^۱

اسلام شیعی نیز قرآن و سنت نبوی را در کنار هم دارد. بدون توجه به سنت حضرت رسول (ص)، ترجمان وحی ممکن نیست. همچنین، نزد علمای شیعه روایات ائمه نیز از منابع ضروری فهم و تفسیر قرآن است. در تفکر شیعه، احادیث منقول از ائمه انطباق کامل با سنت رسول الله (ص) دارد، چرا که شیعه معتقد است علم امام از همان منبع علم حضرت رسول (ص) سرچشمه گرفته است.^۲ علمای شیعه نیز طی سالیان، با توجه به نیاز زمان، از این منابع برای اجتهاد مسائل دینی بهره برده‌اند. من لایحضره الفقیه یکی از معتبرترین منابع شیعی، در این خصوص است.

انتخاب این دو منبع برای بررسی مقایسه‌ای موضوع مقاله، از این رو بود که این دو هر کدام، در بین معتقدان خود، در طرح بحث و اجتهاد از اهمیت بالایی برخوردار بودند و مطالب مطرح در آنها پایه و اساسی برای درک مسائل عقیدتی در میان علما بود. غیر از این، مشابهت‌هایی نیز میان مطالب این دو منبع وجود دارد:

۱. مطالب هر دوی این منابع به عنوان مکمل جدایی‌ناپذیر وحی الهی که در کتاب پیامبران مکتوب شده، به شمار می‌رود.
۲. در هر دوی این منابع بر اهمیت ایمان تأکید شده است. آنچه موجب پذیرش عمل می‌شود، ایمان است. پس نکته مهم در هر دوی این منابع آن است که فرد، متدین به دین باشد.^۳
۳. هر دو منبع بر نیت در عمل و بیان اهمیت پذیرش آن در برابر خود عمل تأکید دارند. آنچه مهم است این است که فرد نیتش را برای خدا خالص گرداند.^۴

۱. رک. کهن، آبراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲ش، صص ۱۰-۱۳.

۲. برای اطلاعات بیشتر رک. معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۶ش، فصل دوم، بخش اول: انطباق حدیث شیعه با سنت نبوی، صص ۲۳۵-۲۶۳.

۳. رک. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، محمدجواد غفاری و صدر بلاغی، شرح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ج ۵، ح ۴۹۳۸؛ ببینید: *Talmud, Makkot, 24a.*

۴. رک. صدوق، محمد بن علی، ج ۳، ح ۳۲۱۴، ص ۵۵۹. ببینید: *Talmud, Sanhedrin, 106b.*

۴. هر دو به دنبال تنظیم رفتار انسان و دور ساختن او از افراط و تفریط هستند.
۵. فقط امور دینی و آخرتی مورد توجه نیست، بلکه علوم و مسائل دنیایی هم بسیار مورد توجه است.^۱
۶. انسان، اشرف مخلوقات است و در میان خلقت دارای نقشی محوری است و با این جایگاه ویژه‌ای که دارد، در برابر خلقت مکلف نیز شده است.^۲
۷. اعمال انسان بر دیگر مخلوقات اثر دارد.^۳
۸. رعایت حقوق از اهمیت بالایی برخوردار است.^۴
۹. حقوق، گاه بنا به دلایل و شرایطی قابل چشم‌پوشی هستند.^۵

گفتار دوم: تکالیف و حقوق همسران در دین یهود

در دین یهود، خانواده مهم‌ترین رکن جامعه است و به خودی خود یک جامعه کوچک را شکل می‌دهد که افراد آن می‌کوشند خویش را از آسیب‌ها و تعرضات احتمالی خارجی محافظت و مراقبت کنند.^۶ خوبی‌ها و بدی‌های افراد، نخستین بار در این واحد اجتماعی شکل می‌گیرد. بنابراین ارکان اصلی این اجتماع کوچک یعنی زن و شوهر که مسئولان ویژه آن شمرده می‌شوند، اصلی‌ترین اثرات را بر آن می‌گذارند. به این ترتیب، آنها می‌توانند یا با

۱. وجود فرامین و دستورات مختلف درباره نحوه غذا خوردن، لباس پوشیدن، مسائل پزشکی و... در جای جای این دو کتاب دیده می‌شود.

۲. ابوابی که طی آن به حقوق حیوانات و دیگر مخلوقات پرداخته شده از جمله باب حق اسب بر صاحبش در صدوق، محمد بن علی، ج ۳، از ح ۲۴۶۵ تا ۲۴۷۲؛ انترمن، الن، باورها و آیین‌های یهودی، ص ۴۵، نقل از:

Pirkei, de R., Eliezer, Ch. 31

۳. رک. صدوق، محمد بن علی، ج ۲، ح ۱۴۸۸، ۱۴۹۰. ببینید: *Talmud, Lev. R. 34: 3.*

۴. برای نمونه رک. صدوق، محمد بن علی، ج ۳، ح ۳۲۱۴، ص ۵۶۸. ببینید: *Talmud - Mas. Nedarim* 65b.

۵. برای نمونه رک. صدوق، محمد بن علی، ج ۴، ح ۳۷۱۲. ببینید: *Talmud - Mas. Baba Bathra* 124a.

۶. See: *Talmud - Mas. Baba Bathra* 6b.

اخلاق خوش، شخینا^۱ را در میان خود ساکن کنند یا با بدی‌ها، آتش را. در این میان نقش و مسئولیت زن بیشتر و مهم‌تر است؛ چنانچه بدی او، آتشی سوزاننده‌تر به دنبال خواهد داشت.^۲ دعوا و نزاع بی‌دلیل و مداوم در خانه نیز موجب آسیب رسیدن به این واحد اجتماعی کوچک می‌شود که در نتیجه آن، واحد بزرگ‌تر جامعه نیز از آن متأثر می‌شود و آن آسیب، عقیم شدن زن، سقط جنین و یا مرگ کودکان است که کاهش جمعیت و پایین آمدن رشد اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.^۳

در این نهاد کوچک، رابطه‌های متنوعی برقرار است. در این روابط، هر یک از افراد جایگاه تکلیفی و حقوقی ویژه‌ای پیدا می‌کنند و نسبت به یکدیگر مسئولند. از جمله مهم‌ترین این مسئولیت‌ها، یاری رساندن در دینداری و دوری کردن از گناهان است و هر که بتواند خانواده خود را از گناه بازدارد، اما این کار را نکند، بخاطر گناه آنها مؤاخذه خواهد شد.^۴

در میان این روابط درون خانوادگی، اولین رابطه‌ای که شکل می‌گیرد، رابطه زن و شوهر است که در جریان ازدواج صورت می‌پذیرد. ازدواج در دین یهود به معنی کامل شدن است و زن و مرد با ازدواج یکی شده، انسان کاملی را شکل می‌دهند.^۵ در واقع، ازدواج قراردادی میان زن و مرد است شامل تکالیف و تعهدات متقابل. زن نیازمند حمایت و تکیه‌گاه مادی است، در مقابل، مرد نیز برای اجرای فرمان الهی «بارور شوید» نیاز به همراهی او دارد^۶ تا پیمان صحرای سینا محافظت شده، تداوم یابد.^۷ به این ترتیب، یک

۱. שְׁכִינָה (Shekinah, Shechinah, Shechina, or Schechinah) به معنی سکون و سکینه است و در اصطلاح دینی یهود به حضور الهی و عظمت او اشاره دارد.

۲. *Talmud - Mas. Sotah 17a.*

۳. See: *Talmud - Mas. Shabbath 32b.*

۴. *Talmud - Mas. Shabbath 54b- Talmud - Mas. Shabbath 55a.*

۵. Gross, David C., *Under the Wedding Canopy: Love and Marriage in Judaism*, Hippocrene Books, 1996, p.184.

۶. Broyde, Michael J.; Ausubel, Michael, *Marriage, Sex, and Family in Judaism*, Rowman & Littlefield, 2005, p.7.

۷. Broyde, Michael J., p.73.

یهودی به طور کلی، به ازدواج به چشم یک وظیفه و تکلیف می‌نگرد و شیرینی ارتباط زناشویی در این میان، هدیه‌ای الهی در برابر اجرای این فرمان است.^۱

الف) تکالیف و حقوق مرد یهودی

بنابر تلمود، مرد ستون فکری و مالی خانواده است و خانواده‌ای که زن اداره‌اش می‌کند، چه از لحاظ فکری^۲ و چه مالی،^۳ مذموم و مقبوح است.^۴ حال همین مرد که به عنوان ستون خانواده معرفی شده، اخلاقش نیز باید به گونه‌ای باشد که در عین صبوری در برابر کارهای ناصواب افراد خانواده، از جمله همسر،^۵ از ایرادگیری و ابراز ناراضی‌های مدام نیز پرهیز کند.^۶ این چنین مردی، وارد جهنم نمی‌شود.^۷

۱) تکالیف مرد یهودی

۱. پرداخت کتوبا: کتوبا، مالی است که مرد تعهد می‌کند به همسرش پرداخت کند. در بخش‌هایی از تورات، به این مورد اشاره شده است^۸ و آن را حق زن می‌شمارد؛ حتی اگر مرد، به اجبار با او رابطه برقرار کند.^۹ ارجح آن است که مرد کتوبا را هنگام عقد به طور کامل پرداخت کند، در غیر این صورت باید بعدها کامل شود؛^{۱۰} به این ترتیب، اگر مرد از دنیا برود، باید از اموال او، کتوبای همسرش پرداخته شود.^{۱۱} اگر مرد مجبور شود موی سرش را نیز بفروشد، باید این کار را انجام داده و نسبت به پرداخت کتوبا اقدام نماید.^{۱۲} با

۱. Gross, p.82.

۲. *Talmud* - Mas. Beitzah 32b; Mas. Baba Metzia 59a.

۳. Ibid - Mas. Pesachim 50b.

۴. Ibid - Mas. Beitzah 32b.

۵. Ibid - Mas. Eiruvim 41b.

۶. Ibid.

۷. Ibid.

۸. پیدایش، ۳۴، ۱۱-۱۲؛ تثنیه، ۲۲، ۲۹.

۹. خروج، ۲۲، ۱۶-۱۷.

10. Ibid - Mas. Kiddushin 8a.

11. Ibid - Mas. Baba Metzia 18a.

12. Ibid - Mas. Nedarim 65b.

وجود تمام این تأکیدات بر لزوم پرداخت کتوبا، می‌توان آن را از بدترین نوع اجناس و محصول پرداخت کرد^۱ و نیز در صورتی که زنی علیه شوهرش بشورد، یعنی از انجام کارهایش سرباز زند، از کتوبایش کم می‌شود.^۲

۲. رسیدگی: مرد در قبال مایحتاج همسرش مسئول است.^۳ البته این مسئولیت فقط شامل نیازهای زن است نه بیشتر^۴ و چنانچه مردی با این شرط که زن ادعایی بر روزی، جامه و حقوق زناشویی از او نداشته باشد، او را به نامزدی خود درآورد، عقد درست است، اما شرطها باطل.^۵ در صورتی که مرد مکنت مالی داشته باشد، علاوه بر تأمین مایحتاج زن، خرید زیور آلات نیز به مرد توصیه شده است. این کار نه به عنوان تکلیفی دینی، بلکه نوعی تکلیف اخلاقی است که در روح زندگی او اثر می‌گذارد.^۶ مردی که از این وظایفش سرباز زند، دادگاه موظف است او را به انجام آن وادار کند.^۷

۳. نفقه: خرج خورد و خوراک و پوشاک و محل خواب زن تکلیف شوهر است. باید هر هفته نیم حلب روغن، انجیر خشک یا انجیر فشرده، مقدار مشخصی گندم یا دو برابر آن جو به او بدهد و نباید کمتر باشد. اگر این میوه‌ها را ندارد، باید میوه‌های دیگری برایش مهیا کند. او همچنین باید تشک، پتو و بالش برای همسرش فراهم کند. سالی یکبار روسری و کمر بند و در هر جشن مهمی، کفش و هر سال لباسی به قیمت ۵۰ زوز^۸ به او بدهد. نیازی نیست در تابستان یا زمستان لباس نو بگیرد، اما آن ۵۰ زوز برای لباسش باید داده شود و اینها جزء اموال خود زن شمرده می‌شود. یک مانه^۹ نقره هم باید هفته‌ای به او بدهد تا برای هر چه نیاز دارد، خرج کند. اگر ندهد، کارهای دستی زن به خودش تعلق

1. Ibid - Mas. Baba Kama 8a.

2. Ibid, Mas. Kethuboth 63a.

3. Ibid, Mas. Nedarim 38a; Mas. Kethuboth 46b.

4. Ibid, Mas. Nazir 24.

5. Ibid, Mas. Kiddushin 19b.

6. Ibid, Mas. Shabbath 62b.

7. Ibid, Mas. Kethuboth 77a.

۸ זוז (Zuz): زوز، سکه نقره قدیمی یهودی که در دوره قیام بارکوخبا (Bar Kochba) ضرب می‌شد. اما به طور کلی این اصطلاح برای انواع مختلف سکه‌های کوچک نقره غیریهودی نیز به کار می‌رفت. استفاده آن در تلمود، معادل با درهم یونانی است. هر چهار زوز در حدود یک شیکل است.

۹ מנה (Māneh- mina): واحد اندازه‌گیری قدیمی در یونان، در حدود ۵۰ تا ۶۰ شیکل یا ۷۰ درهم.

می‌گیرد. زنی که فرزند همسرش را نگه می‌دارد، کارهای دستی‌اش کم می‌شود و هزینه نگهداری‌اش بیشتر. این موارد مربوط به فقیرترین عضو بنی‌اسرائیل است و در طبقات بالاتر، این مخارج طبق شأن طبقه مرد تعیین می‌شود.^۱ اگر مردی از همسرش غایب باشد و زن به دادگاه شکایت برد، دادگاه موظف است از اموال مرد، مایحتاج زن را تأمین کند.^۲

۴. **فدیه:** در صورتی که زن به اسارت برود، مرد وظیفه فدیة دادن برای او را به عهده هر اندازه هم مبلغ بالا باشد، او موظف به پرداختن آن است. حتی اگر دیگر نخواهد با او زندگی کند نیز موظف است فدیة‌اش را پرداخت کند و او را به خانه پدرش برگرداند. اگر هر دوی آنها نیز به اسارت رفته باشند، دادگاه موظف است از اموال مرد، نخست زن را آزاد سازد.^۴

۵. **تدفین:** مرد عهده‌دار تدفین همسرش است.^۵ اگر هم نخواهد این مسئولیت را انجام دهد، یا غایب باشد، دادگاه موظف است با بهره‌گیری از اموال او برای تدفین زن اقدام نماید.^۶

۶. **حفظ لطافت:** مراقبت از احساس همسر از تکالیف مرد است، چرا که زن آسیب‌پذیر است.^۷

۷. **رفتار نیکو و حفظ احترام:** مرد باید همیشه به همسرش احترام بگذارد. چرا که رحمت تنها بخاطر همسر اوست که بر خانه‌اش نازل می‌شود. یکی از ربی‌ها می‌گوید «همسران‌تان را احترام کنید، باشد که ثروتمند شوید.»^۸ در واقع، رفاه و آسایش خانه،

۱. *Talmud - Mas. Kethuboth 64b.*

۲. *Ibid, Mas. Kethuboth 48a.*

۳. *Ibid, Mas. Kethuboth 46b; Mas. Kethuboth 52a.*

۴. *Ibid, Mas. Kethuboth 51a.*

۵. *Ibid, Mas. Kethuboth 46b.*

۶. *Ibid.*

۷. *Ibid, Mas. Baba Metzia 59a.*

۸. *Ibid, Mas. Baba Metzia 59a, footnote 27.*

- بسته به زن آن است.^۱ به این ترتیب، تلمود به مردها می آموزد که همسرانشان را به اندازه خود دوست داشته باشند و بیش از خود، به آنها احترام بگذارند.^۲
۸. **حفظ عفت:** توجه به حجاب و عفاف زن، از تکالیف مرد شمرده شده است. به گونه ای که اگر مردی ببیند همسرش بدون پوشش سر از خانه خارج شده یا با مردان بیگانه استحمام می کند، طلاق او از جمله تکالیف دینی اش شمرده می شود.^۳
۹. **گذشت و صبوری:** مرد باید در برابر رفتارهای همسرش صبور باشد و با نگاه بخشش با او برخورد کند.^۴
۱۰. **عدم پیروی:** مرد نباید از همسرش تبعیت کند. چنانچه مردی چنین کند و به دنبال مشورت همسرش برود، در جهنم فرو خواهد افتاد.^۵
۱۱. **رشد اجتماعی:** مرد باید زن را در جایگاه اجتماعی ای که خود در آن است، حفظ کند یا آن را ارتقاء دهد و نمی تواند او را به سطحی پایین تر ببرد،^۶ یا به شهری مهاجرت کند که سطح زندگی اش از شهری که در آن بوده اند، پایین تر است.^۷
- اگر مردی از انجام تکالیفش سرباز زد، دادگاه موظف است او را به روزمزدی و انجام وظایفش وادارد^۸ یا او را مجبور سازد که همسرش را طلاق دهد.^۹

۲) حقوق مرد یهودی

۱. شوهر بر همسر حق عمری^۱ و رقیبی^۲ دارد.^۳

۱. Ibid, Mas. Baba Metzia 59a.

۲. Ibid, Mas. Sanhedrin 76b.

۳. See: ibid, Mas. Gittin 90a- 90b.

۴. Ibid, Mas. Eirubin 41b.

۵. Ibid, Mas. Baba Metzia 59a.

۶. Ibid, Mas. Kethuboth 61.

۷. Ibid, 110.

۸. Ibid, 77a.

۹. Moses Schreiber, *Hatam Sofer on Eben ha-'Ezer*, 131-132.

۲. مرد حق تملک آنچه زنش به دست می آورد و کاردستی اش را دارد.^۴
۳. مرد حق دارد طبق شرایطی، عهد همسرش را لغو کند.^۵
۴. مرد حق دارد سوگند همسرش را لغو کند.^۶
۵. مرد حق دارد نذر همسرش را باطل سازد.^۷
۶. مرد در اموال همسرش حق ارث دارد.^۸

ب) تکالیف و حقوق زن یهودی

در تلمود یک جا به جای استفاده از لفظ «همسر»، واژه «منزل» به کار رفته^۹ که در جای خود نشانه قائل شدن نوعی حریم برای این عضو خانواده است. حریمی که با وجوب تبعیت و فاداری اش به شوهر^{۱۰} می تواند حفظ شود. با این تعریف، تکالیف و حقوقی که شرع یهود برای او قائل است، در راستای حفظ او، خانواده و جامعه است.

۱) تکالیف زن یهودی

۱. تبعیت: زن موظف است از همسرش تبعیت کند.^{۱۱}

۱. حق غمري، حق انتفاعی است که به موجب عقدی از طرف مالک برای شخص به مدت عمر خود یا عمر منتفع و یا عمر شخص ثالثی برقرار شده باشد.

۲. حق زقبی، حق انتفاعی است که از طرف مالک برای مدت معینی برقرار می گردد.

۳. *Talmud - Mas. Kethuboth 46b; 65b.*

۴. *Ibid, 65b.*

۵. *Ibid, Mas. Nazir 28a; Mas. Nedarim 66b.*

۶. *Ibid, Mas. Kiddushin 4a; Mas. Kethuboth 65b.*

۷. *Ibid, Mas. Nazir 24a.*

۸. *Ibid, Mas. Baba Bathra 108a.*

۹. *Ibid, Mas. Yoma 2a.*

۱۰. See: *ibid, Mas. Sotah.*

۱۱. *Ibid, Mas. Gittin 6b- 7a.*

۲. کار: زن موظف است که در خانه شوهرش کار کند. زنی که در خانه شوهرش می خورد و کار نمی کند، مانند این است که از شوهرش دزدی می کند. یا زنی که غذا می خواهد و در عوض آن چیزی تولید نمی کند، مردش را به دزدی وامی دارد.^۱ کارهایی که در خانه شوهر به عهده زن است، عبارت است از: آرد کردن غلات، پختن نان، شستن لباس، آشپزی، شیر دادن به کودک، آماده کردن رختخواب، کارهایی چون پشم زنی و نخ ریزی. اما اگر دو کنیز بیاورد، آشپزی و شیر دادن به کودکش از گردنش برداشته می شود. اگر سه کنیز بیاورد، آماده کردن رختخواب و کارهایی چون پشم زنی و نخ ریزی دیگر بر عهده اش نیست و اگر چهار کنیز بیاورد، اجازه دارد به راحتی وقت گذرانی کند.^۲
۳. توجه به تغذیه شرعی: زن باید توجه کند که غذای عشریه داده برای شوهرش بگذارد.^۳
۴. رعایت اصول دینی: زن باید سهم کاهنان از نان را کنار بگذارد.^۴ زنی که از توجه به این امور سرباز زند، از کتوبایش^۵ کم می شود.^۶

۲) حقوق زن یهودی

۱. دریافت کتوبا: کتوبا حق زن است و باید کامل پرداخت شود^۷ و اگر پرداخت نشود، عقد باطل است.^۸ حداقل کتوبای دختر دو بیست زوز است و بیوه و مطلقه یک مانه، اگر داماد بر آن بیفزاید، اشکالی ندارد، اما اگر کمتر بدهد، مرتکب فحشا شده است.^۹ میزان یک پروتا^{۱۰} هم در تلمود آمده که با کمتر از آن، عقد باطل است.^{۱۱} البته یک پروتا مبلغ بسیار اندکی است و معادل کم ارزش ترین سکه است.^{۱۲}

۱. Ibid, Mas. Shabbath 32b.

۲. Ibid, Mas. Kethuboth 59b.

۳. Ibid, 72a.

۴. Ibid.

۵. معادل مهریه در اسلام است. (ketubah- written thing). כתובה.

6. Ibid, Mas. Kethuboth 63a

7. Ibid, Mas. Nedarim 65b; Mas. Kiddushin 47a; 60a; Mas. Arachin 23b.

8. Ibid, Mas. Kiddushin 60a.

9. Ibid, Mas. Kethuboth 54b.

10. (Prutah). פרוטה

11. Talmud - Mas. Kiddushin 46a.

12. Ibid, 11b, footnote 27.

هرچند لازم است کتوبای زنی که شوهرش را از دست داده، از اموال شوهرش پرداخت شود، اما خود زن بیوه حق ندارد کتوبایش را از اموال یتیمان بردارد، مگر اینکه قسم بخورد که کتوباش را نگرفته، بعد از آن حق دارد از مال یتیمان کتوبایش را جدا کند. در این صورت، شاهدان باید گیت^۱ او را امضا کنند که بعدها مورد سوءاستفاده قرار نگیرد.^۲

۲. **نفقه:** تأمین نیازهای اساسی زن در خانه شوهر، از حقوق اوست و شامل مواردی است که در خانه پدر داشته، مگر اینکه خودش نخواهد^۳ و اگر مردی زنی را عقد کرد به شرطی که ادعایی بر این حقوق نداشته باشد، عقد درست، اما شرطها باطل است.^۴

۳. **ارث:** مردی که دو زن دارد، اگر بمیرد، زن اول بر دومی اولویت دارد. همین طور وارثان زن اول بر وارثان زن دوم. اما اگر همسر اولش درگذشت و بعد دوباره ازدواج کرد، بعد از آنکه مرد، زن دوم و وارثان او بر وارثان زن اول اولویت دارند.^۵ اگر هم مردی بمیرد و مال اندک و زن زیاد بگذارد اموال به طور مساوی بین زن‌ها تقسیم می‌شود و مهم نیست کتوبای هر کدام چقدر بوده است.^۶

۴. **زناشویی:** حق زناشویی از جمله حقوقی است که برای زن شمرده شده و مرد نمی‌تواند به شرطی که زن بر این حق ادعایی نداشته باشد، او را به عقد خود درآورد. حتی اگر چنین شرطی هم بگذارد، عقد درست، اما شرط باطل است.^۷

گفتار سوم: تکالیف و حقوق همسران در اسلام شیعی

۱. **گیت (Get):** گیت، سندی است که مرد هنگام طلاق به همسرش می‌دهد که نشان دهد آن زن از مرد جدا شده و می‌تواند به ازدواج دیگری درآید و تمام حقوقی که به واسطه ازدواج به مرد منتقل شده بود، به زن بازمی‌گردد. تنبیه، ۲۴، ۱: «چون کسی زنی گرفته، به نکاح خود درآورد، اگر در نظر او پسند نیاید از این که چیزی ناشایسته در او بیاید آنگاه طلاق نامه‌ای نوشته، به دستش دهد و او را از خانه‌اش رها کند.»

۲. *Talmud - Mas. Gittin 34b.*

۳. *Ibid, Mas. Kethuboth 70b.*

۴. *Ibid, Mas. Kiddushin 19b.*

۵. *Ibid, Mas. Kethuboth 90a.*

۶. *Ibid, 93a.*

۷. *Ibid, Mas. Kiddushin 19b.*

در حدیث آمده «بهترین شما نیکو رفتارترین شماست نسبت به خانواده.»^۱ اتفاقی که شاید کمتر در خانواده‌ها رخ می‌دهد و آنچه شیوع دارد، رفتار نیکو با غریبه‌ها و رفتار گاه ناشایست در خانواده است. با نگاهی گذرا به سیره‌ی معصومین(ع) و تعامل آنها با افراد خانواده، می‌توان به اهمیت این جامعه کوچک و حقیقی پی برد. از جمله تقسیم کاری که میان امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا صورت گرفت.^۲

در روایات معصومین(ع) قوانین و اصولی به این جامعه کوچک توصیه شده است که اگر همه طبق این دستورات رفتار کنند، امید است به آن خانواده آسمانی دست یابند. خانواده‌ای که نام خدا در آن اجازه بروز و ظهور دارد و مردانی از آن خارج می‌شوند که تجارت و امور دنیایی آنان را از ذکر خدا باز نمی‌دارد و نور خدا در آن جای می‌گیرد.^۳

اولین گام در جهت تشکیل این جامعه کوچک، ازدواج است. در اسلام نیز ازدواج به معنی یکی شدن دو انسان است. چنانچه در آیه ۳۵ سوره مبارکه نساء، آنجا که سخن از اختلاف میان زن و شوهر می‌شود، خداوند حکیم لفظ «شقاق» را به کار می‌برد.^۴ «شق» به نصف یک شیء گفته می‌شود و «شقاق» به معنی شکاف و انفراج در یک شیء است. به کار بردن این لفظ برای بیان اختلاف میان زن و شوهر، از جهت اتصال بسیار قوی و عمیق زندگی آن دو به یکدیگر است.^۵

زن و مردی که ازدواج می‌کنند، در کنار ورود به تکامل انسانی، به تکلیف بارور ساختن نسل بشری و رشد جامعه اسلامی نیز عمل می‌کنند.^۶ به این ترتیب، خداوند لذت

۱. صدوق، محمد بن علی، ج ۵، ح ۴۹۰۸.

۲. همو، ج ۴، ح ۳۶۴۰.

۳. رک. نور، ۳۵-۳۷.

۴. وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا.

۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۶،

صص ۱۱۲-۱۱۳.

۶. صدوق، محمد بن علی، ج ۴، ح ۳۵۸۲؛ ج ۵، ح ۴۳۴۰، ۴۳۴۴.

ارتباط زناشویی را پاداشی در راستای قبول این مسئولیت و پذیرش سختی‌های حاصل از آن نهاده است.^۱

الف) تکالیف و حقوق مرد مسلمان

مرد، به عنوان ستون خیمه زن،^۲ تکالیفی به عهده دارد که این خیمه را پابرجا نگه دارد و این حق به او داده شده که در پابرجایی این خیمه مخیر باشد، نه اینکه بماند و موجب آزار خیمه شود یا آنکه خود، خیمه را نفرین نماید.^۳ کسی که حقی به او داده شده، در مقابل تکالیفی نیز از او انتظار می‌رود که یکی از آنها عدم سوء استفاده از حقوق است. پس با وجود دادن حق طلاق به مرد، در قرآن و روایات سفارش‌های مکرر بر حفظ این خیمه شده است، مگر در موارد خطا و بی‌عفتی آشکار.^۴

به طور کلی ساختار وجودی زن به گونه‌ای است که نیاز به برخورد ظرافتمندانه دارد و مرد باید در عین اقتدار، با هوشیاری این لطافت و ظرافت را در راستای هدف خلقت پیش برد.^۵ بنابراین مرد در ارتباط با همسر خود بایستی با سکوت و خاموشی در برابر سخنان گوناگون او^۶ و صبر در برابر تندخویی او^۷ زندگی را در مسیر صحیح پیش برد و موجبات اختلاف را کاهش دهد.

به این ترتیب، مردی که خیر دنیا و آخرتش برای همسرش بیشتر باشد، بهترین افراد شمرده شده^۸ و آنکه نسبت به همسرش جوانمردترین فرد است، کریم‌ترین افراد به حساب

۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر سوره مبارکه نور، جلسه ۲۰ (۹۰/۰۸/۱۷)، تهیه و تنظیم: بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی اسراء. در:

<http://portal.esra.ir/Pages/Index.aspx?kind=2&lang=fa&id=NjA5NA%3d%3d-pS0o7brBuEE%3d&admin=200&SkinId=66>

۲. رک. نساء، ۳۴.

۳. صدوق، محمد بن علی، ج ۲، ح ۱۷۴۷.

۴. همو، ج ۵، ح ۴۵۲۵.

۵. همان، ح ۴۳۷۲.

۶. همان.

۷. همان، ح ۴۵۲۷.

۸. همان، ح ۴۵۳۸.

می‌آید.^۱ در حفظ این ارتباط نیکو حتی اجازه دروغ در وعده به همسر نیز داده شده که از دروغ‌های نیکو به شمار می‌رود.^۲ نقش مرد به حدی در آسایش و آرامش خانواده اثر دارد که بد بودن او کل خانواده را متأثر می‌سازد به این ترتیب، در روایات به مرد بیش از زن به رعایت حال خانواده توصیه و به برخورد مستقیم الهی انذار داده شده است.^۳

(۱) تکالیف مرد مسلمان

۱. **پرداخت مهریه:** پرداخت مهریه بر مرد واجب است، چه نزدیکی کند و چه نکند.^۴ مهریه باید به خود دختر داده شود، نه به پدر یا برادر او،^۵ مگر اینکه دختر، طفل باشد که پدر همچنان ولایت او را داشته باشد. در غیر این صورت، چنانچه مرد، مهریه را به پدر دختر داده باشد، دختر حق دارد مهرش را از شوهرش مطالبه کند و آن پولی که به پدرش پرداخت شده، جزء بدهی پدر به شوهر شمرده می‌شود.^۶ در شرایطی هم که ازدواج نادرست بوده باشد، چنانچه بعد از برقراری ارتباط زناشویی، نادرستی ازدواج معلوم شود، با آنکه ازدواج باطل می‌شود، اما مرد همچنان موظف به پرداخت مهریه است؛ از جمله، چنانچه به هنگام احرام زن و مردی به عقد هم درآیند، که عقد باطل می‌شود،^۷ یا شاهدانی به زن بگویند شوهرش از دنیا رفته و زن پس از نگه داشتن عده وفات، دوباره ازدواج کند، اما شوهر اولش بازگردد^۸ و یا اینکه شاهدانی به او بگویند که شوهرش او را طلاق داده و زن پس از نگه داشتن عده طلاق، ازدواج کند، اما شوهر اول بازگردد و بگوید شهادت آنها

۱. همان، ح ۴۷۷۴.

۲. همو، ج ۶، ح ۵۷۶۲، ص ۲۸۶.

۳. نساء، ۳۴؛ صدوق، محمد بن علی، ج ۵، ح ۴۳۷۹، ۴۹۰۹، ۴۹۱۰.

۴. صدوق، محمد بن علی، ج ۵، ح ۴۷۸۲.

۵. همان، ح ۴۴۷۱، ۳۳۸۷.

۶. همو، ج ۴، ح ۳۳۸۷.

۷. همو، ج ۳، ح ۲۷۱۱.

۸. همو، ج ۴، ح ۳۳۳۴ و ۳۳۳۵؛ ج ۵، ح ۴۸۸۵، ۴۸۸۸.

دروغ بوده است.^۱ در دو مورد اخیر، شوهر دوم زن باید مهریه او را کامل بپردازد. اما کسانی که شهادت دروغ داده‌اند، حد می‌خورند و مهر زن را به شوهر دومش بدهکارند.^۲ در این موارد نیمی از مهریه به زن تعلق می‌گیرد: چنانچه عقد انجام شده باشد، اما قبل نزدیکی جدا شوند،^۳ مگر اینکه طبق آیه قرآن،^۴ خود دختر،^۵ یا پدر دختر^۶ آن را ببخشند. البته تنها بخشی از مهریه را می‌توان بخشید و نمی‌شود از همه مهر صرف نظر کرد.^۷ همچنین از آنجا که مرد زناکار بر زن مؤمن حرام است،^۸ چنانچه مردی مرتکب این عمل شود، باید میان او و همسرش جدایی انداخت نیمی از مهریه زن باید پرداخت شود.^۹ در این موارد نیز پرداخت مهریه منتفی است: اگر مرد بعد از ازدواج و پیش از دخول، بفهمد زن معیوب است. در این صورت مرد حق فسخ دارد و بابت مهر، دینی به گردش نیست.^{۱۰} همچنین از آنجا که زن زناکار نیز بر مرد مؤمن حرام است،^{۱۱} اگر زنی چنین کرد، از شوهرش جدا می‌شود و مهری هم ندارد.^{۱۲}

۲. رسیدگی: رسیدگی به امور همسر از جمله واجبات مرد است و کسی که نسبت به این امر بی‌مسئولیت باشد، بر حاکم است که طلاق زن را از او بگیرد.^{۱۳}

۳. نفقه: تأمین خوراک، پوشاک و مسکن زن از جمله تکالیف شوهر است.^۱ کسی که در این امر کوتاهی کند، حاکم باید او را به طلاق زن وادار سازد.^۲

۱. همو، ج ۵، ح ۴۸۸۵، ۴۸۸۸.

۲. همو، ج ۴، ح ۳۳۳۴ و ۳۳۳۵؛ ج ۵، ح ۴۸۸۸.

۳. همو، ج ۴، ح ۳۳۸۷؛ ج ۵، ح ۴۴۹۱، ۴۷۷۳، ۴۵۷۴.

۴. بقره، ۲۳۷.

۵. صدوق، محمد بن علی، ج ۵، ح ۴۴۹۱.

۶. همو، ج ۴، ح ۳۳۸۷.

۷. همان، ح ۳۳۸۷؛ ج ۵، ح ۴۷۷۹.

۸. نور، ۳.

۹. صدوق، محمد بن علی، ج ۵، ح ۴۴۵۱ و ۴۴۵۲.

۱۰. همو، ج ۴، ح ۳۳۸۶.

۱۱. نور، ۳.

۱۲. صدوق، محمد بن علی، ج ۵، ح ۴۴۵۳ و ۴۴۵۴.

۱۳. همان، ح ۴۵۲۹.

۴. **کفن:** کفن زن بر ذمه شوهر است.^۳

۵. **حفظ لطافت:** زنان بنا به تکلیفی که در خلقت به عهده دارند، به صورت موجودی لطیف آفریده شده‌اند که نیاز شدید به حفظ و حراست دارند،^۴ این تکلیف به عهده شوهران آنهاست تا با نگهداری آنان در خانه^۵ و با نسپردن امور زندگی به او^۶ این لطافت را حفظ کنند.

۶. **رفتار نیکو و حفظ احترام:** مرد در برابر عزت و احترام زن مسئول است و باید به اعتماد او به خودش احترام بگذارد.^۷ به این ترتیب، اجازه ندارد زن ذمی را هووی زن مسلمان خود قرار دهد که اگر چنین کرد ۱/۸ حله زنا بر او جاری می‌شود و باید میان او و همسر مسلمانش جدایی انداخت، مگر آنکه همسر مسلمانش رضایت بدهد.^۸ به هنگام طلاق نیز این عزت و احترام باید محفوظ بماند و مرد باید با لطف و احسان او را ترک گوید.^۹ همچنین بر مرد واجب است که همسرش را نعمت خداوند بداند و به او به دیده‌ی تکریم و احترام بنگرد و با مهربانی و لطف و خوشروئی با او برخورد کند.^{۱۰} رفتار نیکوی مرد با همسرش، از یک سو موجب رحمت خدا بر او^{۱۱} و از سوی دیگر باعث آرامش و صفای زندگی اوست.^{۱۲}

۱. طلاق، ۷؛ صدوق، محمد بن علی، ج ۵، ح ۴۵۲۶، ۴۵۳۰، ۴۵۳۷؛ ج ۶، ح ۵۷۵۵.

۲. صدوق، محمد بن علی، ج ۵، ح ۴۵۲۹، ۴۵۳۰.

۳. همو، ج ۶، ح ۵۴۴۰.

۴. همو، ج ۵، ح ۴۹۱۱: «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانه...»

۵. همان، ح ۴۳۷۲.

۶. همان، ح ۴۹۱۱.

۷. همو، ج ۴، ح ۳۷۳۲.

۸. همو، ج ۵، ح ۴۴۷۸.

۹. همان، ح ۴۳۹۹.

۱۰. همو، ج ۳، ح ۳۲۱۴، ص ۵۶۱-۵۶۲.

۱۱. همو، ج ۵، ح ۴۵۳۷.

۱۲. همان، ح ۴۹۱۱.

۷. **حفظ عفت:** بخشی از مسئولیت حفاظت از عفت زنان، به عهده همسران آنهاست. یکی از توصیه‌هایی که در این زمینه به طور جدی به مردان شده، غیرت است.^۱ صفتی کاملاً مردانه که برای آنها ممدوح و برای زنان مذموم است.^۲ مردی که نسبت به ناموشش نوزد و انحصارطلبی ننماید، خداوند بینی او را به خاک مذلت می‌ساید.^۳ چنین کسی از لطف خدا به دور مانده،^۴ بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.^۵ از جمله این غیرت‌ها آن است که به حفظ حریم و حجاب او توجه داشته باشد.^۶ البته برای حفظ همسر از انحراف نباید تنها به غیرت متوسل شد. انحصارطلبی صرف نمی‌تواند زنی را عفیف نگه دارد، بلکه مرد باید به گونه‌ای رفتار کند که زنی که تنها به او تعلق یافته، در کنار او به آرامشی که باید برسد و از توجه به غیر بی‌نیاز گردد که این کار با ابراز محبت ممکن می‌شود.^۷

به این ترتیب، اسلام در این مسیر، توصیه‌های ویژه‌ای به مرد می‌کند؛ از جمله هدیه دادن به همسر^۸ و خضاب کردن که آرامش بخش اوست^۹ و این دو کار افزایش عفت و صلاح او را موجب می‌شود.^{۱۰} همچنین توجه به نیازهای همسر در بستر از توصیه‌هایی است که به دلیل عدم رعایت آن تا حدی جنبه توبیخی نیز دارد. به این ترتیب، به مردان دستور داده شده که به سیراب کردن همسرشان در بستر چنان توجه داشته باشند که چون از بستر برخاست، خیال مرد دیگری در او راه نیابد.^{۱۱} به این ترتیب، برخلاف آنچه در جامعه رواج دارد، مسئولیت مردان نسبت به عفاف همسران خود است که بسیار مورد تأکید است

۱. همو، ج ۲، ح ۱۳۹۳.

۲. همو، ج ۵، ح ۴۵۴۳.

۳. همان، ح ۴۵۴۰.

۴. همان، ح ۴۹۸۳.

۵. همان، ح ۴۵۴۲.

۶. همو، ج ۱، ح ۲۴۰.

۷. همو، ج ۵، ح ۴۳۵۰، ۴۳۵۱.

۸. همو، ج ۶، ح ۵۸۳۱.

۹. همان، ج ۲۷۲، ۲۸۱.

۱۰. همو، ج ۱، ح ۲۷۶.

۱۱. همو، ج ۵، ح ۴۹۱۹.

و از آن بازخواست می‌شود، نه مسئولیت زنان در قبال عدم انحراف شوهران‌شان و مردان جامعه.

۸. **گذشت و صبوری:** گذشتن از خطای همسر از تکالیف مرد شمرده شده است.^۱

۹. **عدم پیروی:** در روایات به مردان توصیه جدی شده که از همسران‌شان تبعیت نداشته باشند. البته منظور از این تبعیت، دعوت او به کارهای ناشایست است. کسی که چنین کند، خدا او را به رو در آتش می‌افکند.^۲ دلیل این امر نیز آن است که زن ریحانه است، نه قهرمان.^۳ پرداختن به اموری که نیاز به ریاست دارد، از یک سو موجب هلاکت خود و خانواده‌اش می‌شود^۴ و از دیگر سو لطافتش را از میان می‌برد و در نتیجه، برای انجام مسئولیت‌هایی که در جهت حفظ لطافت محیط خانواده به او سپرده شده است، بازمی‌ماند.^۵

۱۰. **محبت:** بر شوهر است که با همسر خود مهربان بوده و با او انیس و همدم باشد و این به خاطر لذتی است که از زندگی با همسر خود می‌برد و بر او واجب است که حق این لذت را ادا کند.^۶ شخص باایمان هر قدر محبتش با همسرش بیشتر شود، درجه ایمانش بالاتر می‌رود.^۷

۱۱. **شناخت ارزش:** مرد باید بداند که خدا همسرش را تسکین دهنده، آرامش بخشنده، نگهدارنده و انیس او قرار داده، پس باید قدر این مصاحبت را بداند و بخاطر آن شکرگزار خدا باشد.^۸

۱۲. **آموزش دین و امر به معروف و نهی از منکر:** طبق آیه ۶ سوره مبارکه تحریم، امر به معروف و نهی از منکر در خانواده از تکالیف مؤمنان شمرده می‌شود. در روایت، به طور

۱. همان، ح ۴۵۲۶، ۴۵۲۸.

۲. همو، ج ۱، ح ۲۴۱؛ ج ۶، ح ۵۷۶۲، ص ۲۹۰.

۳. همو، ج ۵، ح ۴۹۱۱.

۴. همان، ح ۴۹۰۰.

۵. همان، ح ۴۹۱۱.

۶. همو، ج ۳، ح ۳۲۱۴، صص ۵۶۱-۵۶۲.

۷. همو، ج ۵، ح ۴۳۵۰، ۴۳۵۱.

۸. همو، ج ۳، ح ۳۲۱۴، صص ۵۶۱-۵۶۲.

خاص آن را تکلیف مرد می‌شمارد. اما این وظیفه در حد امر و نهی است، نه اجبار.^۱ همچنین آموزش حبّ امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) از تکالیف مرد نسبت به همسرش شمرده شده است.^۲

۲) حقوق مرد مسلمان

حقوقی که برای مرد است، بسیار بیش از آن است که برای زن قرار داده شده است.^۳ از که حقوقی که در روایات برای مرد شمرده شده با تکالیف زن یکی است، آنها را در بخش «تکالیف زن» بررسی خواهیم کرد. تنها مورد ارث است که از تکالیف زن شمرده نمی‌شود، اما از حقوق مرد به شمار می‌رود.^۴

ب) حقوق و تکالیف زن مسلمان

زن به جهت ازدواج، رعیت مرد محسوب می‌شود^۵ و همانطور که گفته شد، لطافت و ظرافت او، می‌تواند بنیان درونی خانواده را تحکیم بخشد. به این ترتیب، همانطور که حفظ و حراست مرزهای حکومت اسلامی با جهاد مرد ممکن می‌شود، خوب شوهرداری کردن که موجب حفظ و حراست از بنیان خانواده است، جهاد زن شمرده شده است.^۶ در مقابل، زنی که شوهرش از او نگهداری می‌کند و او به شوهر خیانت می‌کند، این بنا را درهم می‌زند و می‌شکند.^۷ در حفظ این بنیان، حتی اجازه وعده دروغ به شوهر نیز داده شده است.^۸

۱. همو، ج ۵، ح ۴۵۳۳.

۲. همان، ح ۴۵۳۴.

۳. همان، ح ۴۵۱۳.

۴. همو، ج ۶، ح ۵۶۱۲.

۵. همو، ج ۳، ح ۳۲۱۴، صص ۵۶۱-۵۶۲.

۶. همو، ج ۵، ح ۴۵۱۸.

۷. همو، ج ۶، ح ۵۷۶۲، ص ۲۹۴.

۸. همان، ح ۵۷۶۲، ص ۲۸۶.

۱) تکالیف زن مسلمان

۱. **تبعیت:** اطاعت از شوهر، تکلیفی برای زن شمرده شده^۱ که مایه لذت مرد است^۲ و زنی که از شوهرش نافرمانی می‌کند، نمازش پذیرفته نیست^۳ و از پست‌ترین زنان به شمار می‌رود.^۴ اجازه گرفتن برای روزه مستحبی یکی از نشانه‌های اطاعت زن است.^۵ این عمل او آمرزش الهی را در پی دارد^۶ و در کنار اقامه نمازهای پنجگانه، گرفتن روزه رمضان، رفتن به حج و داشتن ولایت امیرالمؤمنین حضرت (ع)، سبب ورود او به بهشت است؛ از هر در که بخواهد.^۷

۲. **اجازه:** کسب اجازه از شوهر، از جمله تکالیفی است که برای زن شمرده شده است. کسب اجازه در خرج کردن و انفاق اموال او، خروج از منزل،^۸ سوگند^۹ و همینطور گرفتن روزه مستحبی^{۱۰} لازم است. اجازه گرفتن برای روزه مستحبی نشانه اطاعت زن است و الا نافرمان شمرده می‌شود.^{۱۱} زنی که بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود نیز تا زمانی که بازگردد، نفقه او به عهده شوهرش نیست^{۱۲} و تا هنگام بازگشت، مورد لعن فرشته‌ها خواهد بود^{۱۳} و خدا او را نمی‌بخشد.^{۱۴} اما درباره حج واجب زن، مرد نمی‌تواند مانع

۱. همو، ج ۵، ح ۴۳۶۷، ۴۳۶۸.

۲. همان، ح ۴۳۶۸.

۳. همو، ج ۱، ح ۱۳۱؛ ج ۶، ح ۵۷۶۲ ص ۲۸۴.

۴. همو، ج ۵، ح ۴۳۷۶.

۵. همو، ج ۲، ح ۲۰۱۴.

۶. همو، ج ۵، ح ۵۳۲.

۷. همان، ح ۵۳۱.

۸. همان، ح ۵۱۳.

۹. همو، ج ۴، ح ۲۷۳.

۱۰. همو، ج ۲، ح ۱۷۸۴، ۲۰۱۴؛ ج ۴، ح ۲۷۳؛ ج ۵، ح ۵۱۳؛ ج ۶، ح ۵۷۶۲، ص ۲۹۸.

۱۱. همو، ج ۲، ح ۲۰۱۴.

۱۲. همو، ج ۵، ح ۵۲۰.

۱۳. همان، ح ۵۱۳، ۴۹۶۸، ص ۳۰۸.

۱۴. همو، ج ۶، ح ۵۷۶۲، ص ۲۹۲.

شود؛^۱ هر چند حج مستحب را می‌تواند.^۲ همچنین زن در بهره گرفتن از مال شخصی خود برای مواردی چون آزاد کردن بنده، تدبیر برده، دادن صدقه مستحب و بخشیدن مالی یا نذری مختار نیست و اذن شوهر لازم^۳ و بنا به مشهور مستحب است،^۴ اما در حج واجب، دادن زکات مال یا بخشش به پدر و مادر و خویشان و ارحامش مختار است.^۵

۳. **تمکین:** زنی نیکوست که در بستر، خود را در اختیار همسر بگذارد ولی در عین حال مانند شوهر، شوق و رغبت به همبستری نشان ندهد.^۶ همچنین هرگز مانع کامیابی او نشود، حتی اگر بر جهاز شتری سوار باشد.^۷ کسانی که در برآوردن حاجت شوهر آنقدر تعلل می‌کنند که مرد بدون برآورده شدن حاجتش به خواب رود، ملعون فرشتگانند^۸ و آنانی که در بستر نافرمانی می‌کنند، از پست‌ترین زنان شمرده می‌شوند.^۹

۴. **آراستگی:** زن در عین اینکه باید در برابر مردان بیگانه پوشیده باشد، در برابر همسرش باید آراسته و پاکیزه باشد.^{۱۰} زن خوشبو نیز از کارگزاران خداست و از ثواب الهی بهره‌مند.^{۱۱} کسی که خلاف این عمل کند، از پست‌ترین زنان است.^{۱۲}

۵. **پاکدامنی و وفاداری:** پاکدامنی و پوشیدگی از جمله ویژگی‌های همسر خوب است^{۱۳} و برعکس، زنی که از کار زشت پروا نکند، از پست‌ترین زنان است.^{۱۴} توجه کامل به

۱. همو، ج ۳، ح ۲۹۰۸ و ۲۹۰۷.

۲. همان، ح ۲۹۰۹.

۳. همو، ج ۵، ح ۴۵۱۴.

۴. همان، شرح ح ۴۵۱۴.

۵. همان، ح ۴۵۱۴.

۶. همان، ح ۴۳۶۷.

۷. همان، ح ۴۵۱۳.

۸. همان، ح ۴۵۳۶.

۹. همان، ح ۴۳۷۶.

۱۰. همان، ح ۴۳۶۷.

۱۱. همان، ح ۴۳۶۵.

۱۲. همان، ح ۴۳۷۶.

۱۳. همان، ح ۴۳۶۷، ۴۳۸۷.

۱۴. همان، ح ۴۳۷۶.

انحصارطلبی شوهر نسبت به او نیز جهاد زن شمرده می‌شود.^۱ بنابراین زن باید نسبت به شوهر خود وفادار باشد و کسی را با او شریک نسازد که اگر چنین کند، از لطف خدا به دور خواهد بود.^۲

۶. رفتار نیکو: زن باید به شوهرش به عنوان نعمت خداوند، به دیده تکریم و احترام بنگرد و با خوشروئی با او برخورد کند^۳ و از آزدن زبانی شوهر بپرهیزد.^۴ رفتار نیکوی زن که سبب سرور شوهرش باشد، از لذات مرد است^۵ و زنی که غیر این عمل کند، از پیروزمندترین دشمنان همسر مؤمن خویش است.^۶

۷. محبت: بر زن واجب است که با همسرش با مهربانی و لطف رفتار کند.^۷

۸. عدم سختگیری: زن نباید نسبت به شوهرش سختگیر باشد.^۸

۹. یار و یاور: بر زن است که در ناملازمات یار و یاور شوهر خود باشد؛ هم از جهات مادی و هم از جهات معنوی و او را در کارهای خیر یاری رساند.^۹

۱۰. صبوری: صبوری بر بدخویی شوهر، از تکالیف زن^{۱۰} و صبوری بر ناملازمتی که از او می‌کشد، جهادش به شمار می‌رود.^{۱۱}

۱۱. حفظ حرمت: حرمت شوهر باید حفظ شود و زن نباید او را به کارهایی وادارد که سبب بی‌حرمتی او می‌شود.^{۱۲}

۱. همان، ح ۴۵۱۶.

۲. همان، ح ۴۹۸۳.

۳. همو، ج ۳، ح ۳۲۱۴، صص ۵۶۱-۵۶۲.

۴. همو، ج ۵، ح ۴۹۶۸، ص ۳۲۰.

۵. همان، ح ۴۳۶۸.

۶. همان، ح ۴۳۷۰.

۷. همو، ج ۳، ح ۳۲۱۴، ص ۵۶۱-۵۶۲؛ ج ۵، ح ۴۳۵۸، ۴۳۶۷.

۸. همو، ج ۵، ح ۴۳۵۸، ۴۹۶۸، ص ۳۲۴.

۹. همان، ح ۴۳۵۸.

۱۰. همان، ح ۴۹۶۸، ص ۳۲۴.

۱۱. همان، ح ۴۵۱۶.

۱۲. همان، ح ۴۹۶۸، ص ۳۱۰.

۱۲. **حفظ رضایت:** کسب رضایت شوهر از جمله تکالیف زن است^۱ و زنی که بخواهد در حالی که شوهرش از او به حق ناراضی است، نماز و عبادتش پذیرفته نیست، تا زمانی که رضایت او را جلب کند.^۲ حتی اگر شوهرش در حق او ظالم باشد نیز باید رضایتش را جلب کند.^۳
۱۳. **حفظ مال و آبرو:** حفظ مال و آبروی شوهر در غیابش از خصوصیات همسر خوب،^۴ از تکالیف زن و مایه لذت مرد است.^۵ کم خرج بودن زن نیز نشانه برکت اوست و پرخرج بودنش نشانه ناخجستگی اش.^۶
۱۴. **عدم شرط‌گذاری برای ازدواج مجدد مرد:** زن نمی‌تواند شرط کند شوهرش زن دیگری نگیرد.^۷
۱۵. **شناخت ارزش:** بر زن واجب است که قدر مصاحبت با شوهرش را بداند و بابت این نعمت شاکر خدا باشد.^۸
۱۶. **استقبال:** زنی که چون همسرش به خانه وارد شود، به استقبال او می‌رود، از کارگزاران الهی است که نصف اجر شهید را خواهد برد.^۹
۱۷. **برطرف کردن غم:** زنی که چون شوهرش را اندوهگین بیند، او را به حق دلداری دهد، از کارگزاران الهی است که نصف اجر شهید را خواهد برد.^{۱۰}
۱۸. **ایمان:** همسر مؤمن از جمله لذت‌هایی است که برای مرد شمرده شده است.^{۱۱}

۱. همان، ح ۴۳۶۶.

۲. همان، ح ۴۵۱۹.

۳. همو، ج ۶، ح ۵۷۶۲، ص ۲۹۲.

۴. همو، ج ۵، ح ۴۳۸۷.

۵. همان، ح ۴۳۶۸.

۶. همان، ح ۴۳۵۹.

۷. همان، ح ۴۴۸۴.

۸. همو، ج ۳، ح ۳۲۱۴، صص ۵۶۱-۵۶۲.

۹. همو، ج ۵، ح ۴۳۶۹.

۱۰. همان، ح ۴۳۶۹.

۱۱. همان، ح ۴۳۶۸.

۱۹. دعوت به ایمان: زنی که همسرش را به یاد خدا و قیامت دعوت کند، از کارگزاران الهی است که نصف اجر شهید را خواهد برد.^۱

۲۰. بخشش: زنی که از همسر خود عذری را نمی‌پذیرد و اشتباهش را نمی‌بخشد و کینه‌توز است از پست‌ترین زنان به شمار می‌رود.^۲

۲۱. عدم فخر فروشی: زنی که ارزشش در خانواده خود، بیش از ارزش او در خانه شوهرش باشد، از بهترین زنان است و از پست‌ترین زنان، زنی است که در خانواده خودش خوار و بی‌مقدار بوده و بعد در خانه شوهر خود را بزرگ و عزیز بشمارد و به شوهر خود فخر بفروشد.^۳

۲۲. عقلا نیت: زنی که انفاقش و دست کشیدن از انفاقش معروف و به جا باشد، از کارگزاران خداست.^۴

۲) حقوق زن مسلمان

۱. دریافت مهریه: مهریه حق زن است^۵ هر چند که در روایات بر پایین بودن میزان آن و در مقابل بالا بودن ارزش و برکت زنی که مهرش پایین است و بی‌خیری زنی که مهریه‌اش بالاست^۶ تأکید شده و مهرالسنة (پانصد درهم) به عنوان نمونه مطرح می‌شود.^۷ برخی از از جمله شیخ صدوق و سید مرتضی نیز بیشتر از مهرالسنة را نمی‌پذیرفتند.^۸ صرف همبستر شدن، پرداخت کامل مهریه را بر مرد واجب می‌کند، حتی اگر متوجه عیبی در زن شد، یا اینکه پس از اولین رابطه، از دنیا رفت. در صورت اول، اگر مرد کام

۱. همان، ح ۴۳۶۹.

۲. همان، ح ۴۳۷۶.

۳. همان، ح ۴۳۷۶.

۴. همان، ح ۴۳۶۵.

۵. همان، ح ۴۴۹۹، ۴۵۴۸، ۴۵۶۸.

۶. همان، ح ۴۳۵۶.

۷. همان، ح ۴۳۹۹، ۴۴۴۹، ۴۶۵۴.

۸. همان، ذیل ح ۴۴۰۱.

گرفت و فهمید دختر عیبی دارد، باید مهریه را بپردازد^۱ و از ولیّ دختر غرامت بگیرد، به همان میزان که پرداخت کرده است.^۲ و در صورت دوم و فوت مرد، طبق نصّ صریح قرآن^۳ و متن روایات، نخست باید دین و صدق زن از مال برداشته شود، سپس ارثیه محاسبه شود.^۴

۲. **نفقه:** زن حق نفقه دارد که در تکالیف شوهر به آن اشاره شد. حق زن آزاد نسبت به کنیز نیز دو برابر است.^۵

۳. **ارث:** زن در اموال شوهرش حق ارث دارد؛ البته از اشیای منقول، چرا که اگر خانه و زمین به او برسد، چنانچه دوباره ازدواج کند، مرد بیگانه‌ای را وارد املاک خانواده دیگری می‌کند. به همین خاطر از خانه و زمین ارث نمی‌برد، اما اگر اشیای منقول نباشد، باید قیمت خانه و زمین را محاسبه کرده به او بدهند؛^۶ مگر اینکه فرزندی داشته باشد که در این صورت زمین و خانه هم به او تعلق می‌یابد.^۷

۴. **زناشویی:** زن از هر ۴ شب، یک شب حق زوجیت دارد.^۸ زن آزاد نسبت به زن کنیز نیز دو برابر سهم زناشویی دارد.^۹ اگر هم بنا به دلایلی همبستری بیش از ۴ ماه ترک شود، مرد مرتکب گناه شده، مگر اینکه با رضایت زن باشد.^{۱۰}

۵. **عدم عزل (بیرون ریختن نطفه مرد):** عزل به این معنی است که مرد پس از کامیابی، خود را کنار کشد و نطفه را خارج از رحم بریزد. مرد نمی‌تواند بدون اجازه همسر دائم خود چنین کند. البته در جایز بودن و حرام بودن آن اختلاف است. بعضی آن را مکروه

۱. همان، ح ۴۴۹۶، ۴۴۹۸، ۴۴۹۹.

۲. همان، ح ۴۴۹۶، ۴۴۹۸.

۳. نساء، ۱۲.

۴. صدوق، محمد بن علی، ج ۶، ح ۵۵۲۷.

۵. همو، ج ۵، ح ۴۴۷۷، ۴۴۸۳.

۶. رک. همو، ج ۶، ح ۵۷۴۸، ۵۷۴۹، ۵۷۵۱، ۵۷۵۲، ۵۷۷۰.

۷. همان، ح ۵۷۵۴.

۸. همو، ج ۵، ح ۴۴۸۲.

۹. همان، ح ۴۴۷۷، ۴۴۸۳.

۱۰. همان، ح ۴۳۷۹.

می‌دانند. اما در ۶ صورت مرد می‌تواند چنین کند و عزل اشکالی ندارد: زنی که یقین هست حامله نمی‌شود، زن یائسه، زن دریده، زن بدزبان و فحاش، زنی که به فرزندش شیر نمی‌دهد، کنیز.^۱ برخی زن باردار و شیرده را هم افزوده‌اند.^۲ مردی که هنگام کامگیری از همسر دائمی خود بدون رضایت او نطفه را در خارج از رحم بریزد، موظف به پرداخت دیه می‌شود. دیه آن نیز یک پنجم دیه جنین یا نصف یک پنجم است.^۳

نشوز

نشوز از بار وظیفه‌شانه خالی کردن و اطاعت نکردن زن از شوهر و اداء حق نکردن مرد نسبت به همسر خود است.^۴ نشوز ممکن است از ناحیه زن باشد^۵ یا مرد.^۶ در دستوراتی که در باب برخورد با فردی که از انجام وظایف سرباز زده آمده، نکته‌ای مطرح است، آن هم اینکه رسیدگی و برخورد حاکم شرع لازم است و خود فرد نمی‌تواند برخوردی داشته باشد. چنانچه در آیات حدّ سرقت، زنا یا قذف نیز خطاب آیات با جمیع مسلمانان است، اما اجرای آن به عهده حاکم شرع است و فرد نمی‌تواند بدون اذن حاکم، حدّ جاری کند.^۷ طبق آیه قرآن، زنی که از انجام وظایف سرباز زند، آخرش گفته می‌شود او را بزنید،^۸ که البته این نکته هم جای تأمل دارد که «ضرب» را چه باید ترجمه کرد. چنانچه ضرب در آیات دیگر، معانی دیگری دارد و نمی‌توان حتماً آن را به «زدن فیزیکی» تعبیر کرد.^۹

۱. همان، ح ۴۵۳۹.

۲. همان، شرح ح ۴۵۳۹.

۳. همان، ح ۵۱۵۰، صص ۴۲۲ و ۴۲۳.

۴. برای اطلاعات بیشتر رک. باب نشوز، صدوق، محمد بن علی، ج ۵، صص ۲۱۴-۲۱۶.

۵. نساء، ۳۵.

۶. نساء، ۱۲۸.

۷. صدوق، محمد بن علی، ج ۵، شرح ح ۴۸۲۴.

۸. همان، شرح ح ۴۸۲۴.

۹. برای نمونه رک. نور، آیه ۳۱: «... ولیضربن بخرمهن...»

نشوز مرد نیز، چون حاکم شرع او را مؤظف به اجرای وظایف کند و او سر باز بزند، به دلیل سر باز زدن از اجرای دستور حاکم شرع، حکم به قتل او داده می‌شود.^۱

گفتار چهارم: مقایسه

خانواده در دو دین یهودیت و اسلام، از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. هر دوی آنها، خانه را به خیمه‌گاهی تشبیه می‌کنند که حفظ ظاهر و دوام و استحکام آن به عهده مرد و توجه به امور لطیف درون این خیمه به عهده زن خانواده گذاشته شده است. اولین گام در جهت تشکیل این خیمه، ازدواج است که هر دو دین آن را تکلیفی الهی در راستای تکامل انسانی و بارور شدن نسل بشری می‌شمارند و شیرینی و لذت ارتباط زناشویی را هدیه‌ای الهی در راستای انجام این تکلیف. اما در پس این نگاه کلی، مشابهت‌ها و تفاوت‌هایی نیز وجود دارد.

مشابهت‌ها

۱. در هر دو متن دینی، مرد ستون خانواده شمرده شده که باید برای حفظ خیمه خانواده بکوشد.
۲. در هر دو متن دینی بر اخلاق خوش همسران تأکید بسیار دارند.
۳. آخرت مرد و جایگاه او در قیامت ارتباط مستقیم با رفتار او با همسرش دارد و رفتار خوبش موجب نجات است.
۴. رسیدگی به مایحتاج زن و پرداخت نفقه، حتی به هنگام مرگ، تکلیف مرد شمرده می‌شود.
۵. در هر دو دین حفظ لطافت، عزت و احترام زنان از سوی همسرانشان، همچنین برخوردی نیکو و شایسته با آنان از تکالیفی است که به عهده مردان گذاشته شده است. همچنین بر گذشت و صبوری آنان در برابر خطاهای همسرانشان تأکید شده است.

۱. صدوق، محمد بن علی، ج ۵، شرح ح ۴۸۲۴.

۶. زناشویی از حقوق مؤکد زنان یهودی و مسلمان به شمار می‌رود و در کنار این حق، پرداخت مالی از اموال مرد در برابر بهره‌ای که از او می‌گیرند هم حق زن و هم تکلیف مرد شمرده شده است.
۷. به مردان توصیه جدی شده که از تبعیت از همسران‌شان پرهیز کنند. در غیر این صورت، دچار سوءعاقبت خواهند شد. در مقابل، تابع بودن زن نسبت به همسر خود، از مهم‌ترین مواردی است که هر دو دین بر آن تأکید دارند.
۸. مسئله بسیار مهم، دخالت داشتن حاکم شرع در ارتباط میان زوجین است. در هر دو دین، چنانچه هر یک از دو طرف از انجام تکالیف شرعی خود سرباز زنند، بر حاکم شرع و دادگاه است که وارد شود و حکم نماید.
۹. هر دو طرف از یکدیگر ارث می‌برند.

تفاوت‌ها

۱. در تلمود به ریز مواردی که مرد موظف است برای همسرش تأمین کند، اشاره شده، اما در من لایحضره الفقیه، فقط به بیان کلی خوراک، پوشاک و مسکن اکتفاء شده است.
۲. در تلمود، قضیه فدیه بسیار مهم است و یکی از مطالبی است که مدام به آن پرداخته می‌شود. اما در من لایحضره الفقیه چنین نیست. به همین سبب به طور خاص پرداخت فدیه‌ی زن نیز مطرح و از تکالیف مرد یهودی شمرده شده است، اما در من لایحضره الفقیه حرفی در این زمینه نیست.
۳. حفاظت از عفت زن، در من لایحضره الفقیه، از تکالیف مرد شمرده شده و در این رابطه، به مرد توصیه شده که به انجام کارهایی همراه با لطف و مهربانی مبادرت ورزد؛ اما در یهودیت، تنها برخورد قهرآمیز با زنی که پوشش خود را حفظ نمی‌کند، به مردان توصیه شده است.
۴. تأکید بر ابراز محبت میان همسران در من لایحضره الفقیه بیش از تلمود است و به عنوان تکلیفی برای دو طرف شمرده می‌شود که درجه ایمان فرد نیز با آن محاسبه می‌شود.

۵. در من لایحضره الفقیه، مرد مسلمان در قبال دین همسرش مکلف است و باید در پیمودن مسیر صحیح، راهنمای او باشد.
۶. در من لایحضره الفقیه، حقوقی که برای مرد شمرده شده، تکلیف زن نیز به حساب آمده است، اما در تلمود این همپوشانی مطرح نیست.
۷. تمام هزینه‌ها و مخارج خانواده در اسلام به عهده مرد است و زن هیچ تکلیفی در برابر مخارج خانه و خانواده ندارد. زن مسلمان حتی در قبال کارهای منزل نیز تکلیفی ندارد و آنچه انجام می‌دهد، نه به عنوان تکلیف، که لطف او شمرده می‌شود و برای آن می‌تواند اجرت دریافت کند و برای انجام ندادنش توبیخ نمی‌شود. اما در یهودیت کار کردن در منزل و تا حدودی درآمدزایی برای خانواده، تکلیف زن در خانه شوهر است و بخاطر عدم انجام آن مورد بازخواست قرار می‌گیرد.
۸. آنچه در تلمود به عنوان حقوق مرد به حساب آمده، از جمله در موارد نذر و سوگند زن، در من لایحضره الفقیه، تکلیف زن شمرده و تحت عنوان لزوم اجازه داشتن از مرد برای انجام چنین کارهایی، مطرح شده است.
۹. در یهودیت، آنچه زن به دست می‌آورد، به همسرش تعلق دارد؛ اما در اسلام اموال و درآمدهای زن متعلق به خود او بوده، تصمیم گیرنده در این باره نیز خود اوست. هرچند در مواردی استجاب اجازه از همسر مطرح شده است.
۱۰. در تلمود، آنچه به عنوان تکلیف زن مورد تأکید است، تدبیر کارهای منزل است. اما در من لایحضره الفقیه این تکالیف از دوش زن برداشته شده و در عوض تلطیف کردن فضای خانه با رفتار نیکو و ابراز محبت و احترام، صبوری و همراهی و عدم سختگیری به همسرش به عهده او است.
۱۱. توجه به امور شرعی و توجه به پرداخت وجوهات شرعی در تلمود از تکالیف زن است؛ اما در من لایحضره الفقیه زن در این زمینه تکلیفی ندارد و آنچه بر عهده اوست، تنها دعوت همسر به توجه به این مسائل و امور دینی است.
۱۲. توجه به مسائل زناشویی در من لایحضره الفقیه بیشتر دیده می‌شود و تأکیدهای فراوانی دارد بر اینکه مرد به این نیاز همسرش توجه داشته باشد و حتی برای آن حدی

نیز می‌گذارد و مردی را که به این حدّ توجه نداشته باشد، مورد بازخواست و تنبیه قرار می‌دهد.

۱۳. در یهود، آنچه جایگاه زن را بعد از ازدواج تعیین می‌کند، جایگاه اجتماعی مرد است. و همچنین مرد اجازه ندارد همسرش را از آن جایگاهی که دارد، پایین‌تر برد. اما در اسلام توجه به جایگاه اجتماعی زن مورد توجه است و مرد باید طبق آن با همسرش برخورد نماید.

نتیجه

در دو دین اسلام و یهود، به عنوان دو دین ساطع از یک منبع واحد، در تکالیفی که بر عهده متدینین گذاشته شده، تفاوت‌هایی را در کنار مشابهت‌هایشان می‌توان یافت. اما آنچه در این میان به عنوان تفاوت عمده به چشم می‌آید، تأکید بر جریان یافتن لطف و محبت در خانواده اسلامی و جدیت گاه همراه با تندی در یهودیت است. این تفاوت چشمگیر را شاید بتوان به تفاوت زمانی نزول این دو دین آسمانی و تفاوت میان اقوامی که دین بر ایشان نازل شده دانست.

در کنار این مسئله، نکته مهمی را نیز باید در نظر داشت و آن اینکه حضرت محمد(ص) نیز به عنوان آخرین نبی، باید دینی می‌آوردند که در طول زمان پاسخگوی نیازهای مردمان مختلف باشد؛ نسل‌هایی که در دل بی‌نظمی‌های آخرالزمان ناشی از نبود ولی‌الله در میان خلق، در تنهایی‌های خود به دنبال نوری از محبت هستند. به این ترتیب، اسلام، بر محبت درون خانواده برای سیراب شدن نسل‌ها در درون این واحد کوچک اجتماعی تأکید بیشتری دارد تا به دنبال آن افراد سالم رشدیافته در خانواده‌های دینی بتوانند بدون فریب خوردن از محبت‌های دروغین جاری در عالم و به انحراف رفتن از مسیر حق، نجات‌بخش تمام بشریت باشند.

منابع

- قرآن کریم
- کتاب مقدس

- انترمن، الن، باورها و آیین‌های یهودی، ترجمه رضا فرزین، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵ش.
- جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۴ش.
- صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، محمدجواد غفاری و صدر بلاغی، شرح علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۸ش.
- کهن، آبراهام، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲ش.
- معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۶ش.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه المصطفوی، ج ۶، ۱۳۸۵ش.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر سوره نور، جلسه ۲۰ (۹۰/۰۸/۱۷)، تهیه و تنظیم بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی اسراء. در:
- <http://portal.esra.ir/Pages/Index.aspx?kind=2&lang=fa&id=NjA5NA%3d%3d-pS0o7brBuEE%3d&ad min=200&SkinId=66>
 - *Soncino Babylonian Talmud*, Translated into English with Notes, Glossary and Indices under the Editorship of Rabbi Dr. I. Epstein, London, the Soncino press, from 1952.
 - Broyde, Michael J.; Ausubel, Michael, *Marriage, Sex, and Family in Judaism*, Rowman & Littlefield, 2005.
 - Gross, David C., *Under the Wedding Canopy: Love and Marriage in Judaism*, Hippocrene Books, 1996.
 - Maimonides, Moses, *The Guide for the Perplexed*, M. Friedlander (trans.), London, George Routledge & Sons LTD, 1910.